

نقدی
بر رسم و ضبط
مصحف مرکز طبع و نشر
قرآن جمهوری اسلامی ایران

شیخ علی حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم
﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

«قرآن» کلام خداوند رحمان، سند نبوت و معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبد الله ﷺ می باشد، شکی نیست که قرآن کریم در طول بیست و سه سال به گونه ای پراکنده و به مناسبت های مختلف به صورت غیرمکتوب بر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبد الله ﷺ نازل گردیده است و آن حضرت آیات و سوره های فرود آمده را بر کاتبات وحی، باز می خواندند و آنان این پیام آسمانی را می نوشتند. رسم الخط عرب در صدر اسلام، مراحل اولیه خود را می گذرانید و از هرگونه علامتی که نشان دهنده حرکات و اعراب کلمه باشد، عاری بود و اضافه بر آن شیوه ای خاص و توقیفی در مورد نگارش کلمات قرآن نیز وجود نداشت و کاتبان وحی، مطابق عرف کتابت آن روزگاران، قرآن را به رشته تحریر در می آوردند و این نکته ای است که تمامی علمای رسم و ضبط قرآن کریم در مورد آن، اتفاق نظر دارند و محققین مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایرن به اذعان نموده اند.

«با توجه به اهتمام رسول اکرم ﷺ به کتابت قرآن از طرفی و نبودن دستوری خاص از جانب آن حضرت در مورد نگارش ویژه کلمات قرآن از طرف دیگر، به این نتیجه می رسیم که در صدر اسلام، شیوه ای خاص و توقیفی در مورد نگارش کلمات قرآن وجود نداشته است زیرا اگر چنین بود، این قواعد یا دست کم کلیات آن طی احادیثی از خود آن حضرت نقل می شد... طبق نقل تاریخ نویسان این محدوده زمانی (سال های ۲۵ تا ۳۰ هجری) زمان توحید مصاحف یا یکسان سازی مصاحف به دستور خلیفه سوم است. در این زمان نیز در هیچ یک از منابع به شیوه خاص نگارش کلمات - به آن معنی که گفته شد - اشاره ای نشده است»^۱.

۱. بررسی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف (شیوه نگارش و علامت گذاری قرآن کریم)، صفحات ۲۵ و ۲۶.

با گسترش چشمگیر اسلام و گرویدن بسیاری از اقوام غیر عرب به اسلام، به علّت عدم آشنایی آنها با زبان عرب، نمی توانستند قرآن را به صورت صحیح بخوانند و حتی برخی از عرب ها نیز بر اثر معاشرت و اختلاط با اقوام غیر عرب دگرگونی در سخنانشان راه یافت این امر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را بر آن داشت تا برای حفظ و نگهداری قرآن کریم قواعدی را پایه ریزی و آن را به شاگرد خود ابوالاسود دوئلی آموزش دهد، ابوالاسود اصول کلی نحو را از آن حضرت فرا گرفت و سپس آن را کامل نمود و آن علم را بر کسی اظهار نمی کرد تا این که قاری قرآنی را دید که آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾^۱ را به کسر لام «رَسُولِهِ» می خواند، این امر او را شگفت زده ساخت و گفت از این پس بر من حلال نیست که مردم را رها سازم، نویسنده ای طلبید واز او خواست تا قرآن را براساس گفته او به وسیله نقطه، علامت گذاری نماید.^۲

علامت گذاری قرآن کریم (چون باعث صیانت قرآن از تحریف در تلفظ می شد)، به راحتی مورد قبول و استقبال بیشتر علمای اسلام و عموم مردم قرار گرفت و معدود افرادی که مخالف این امر بودند نیز با دیدن ثمرات آن و صیانت قرآن از تحریف در قرائت، جزء موافقین و طرفداران آن گردیدند.

ابوعمرودانی (متوفای، ۴۴۴ هـ) روایت می کند: عبد الله بن عمر (متوفای ۷۳ یا ۷۴ هـ)، نقطه گذاری مصاحف را ناپسند می دانست و

۱. برائت / ۳.

۲. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، ص ۵۱ و ۵۲ - تاریخ قرآن، ابی عبد الله زنجانی، ص ۹۵ و ۹۶ - المحکم فی نقط المصاحف، ابوعمرالدانی، ص ۳ و ۴ - التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۳۱۱ - مآهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی، ج ۱، ص ۴۰۸.

همچنین از مغیره واو از ابراهیم (ظاهراً ابراهیم نخعی، فقیه اهل کوفه باشد، (متوفای ۹۶ هـ) نقل می‌کند که او نقطه‌گذاری مصاحف را ناپسند می‌دانست و می‌گفت: «جَرِّدُوا الْقُرْآنَ وَلَا تَخْلِطُوا بِهِ مَا لَيْسَ مِنْهُ» قرآن را جدا سازید و چیزی به آن نیامیزید.^۱

ابن ابی داوود سجستانی (متوفای، ۳۱۶ هـ)، از اوزاعی نقل می‌کند که قتاده (متوفای، ۱۱۷ هـ) گفته: «دوست داشتم که دستهایشان بریده می‌شد و قرآن را نقطه‌گذاری نمی‌کردند».^۲

ابوعمرودانی و ابن ابی داوود، هر دو از حسن بصری و ابن سیرین (هر دو متوفای، ۱۱۰ هـ) نقل می‌کنند که این دو نفر، نقطه‌گذاری مصاحف را ناپسند می‌دانستند.^۳

ولی به خاطر استقبال مسلمان‌ها از علامت‌گذاری قرآن و اطمینان بزرگان از این که نقطه‌گذاری، نه تنها باعث تحریف قرآن نگردید، بلکه باعث حفظ و صیانت قرآن کریم از لحن و اشتباه در قرائت نیز گردید؛ برخی از مخالفین گذشته نیز، جزء موافقین آن قرار گرفتند، همان‌گونه که از حسن بصری و ابن سیرین نقل شده است: ابوعمرودانی از منصور (متوفای، ۱۲۸ هـ) نقل می‌کند که از حسن درباره نقطه‌گذاری مصاحف پرسیدم گفت: «اشکالی ندارد، مادام که زیاده‌روی نکنید».^۴

ابن ابی داوود نقل می‌کند که ابن سیرین از روی مصحف نقطه‌گذاری شده، قرائت می‌کرد.^۵

ابوعمرودانی از نافع بن نعیم، قاری مدینه (متوفای، ۱۶۹ هـ) نقل

۳-۱. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۳۱۱ - مناهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی، ج ۱، ص ۴۰۸ - المحکم فی نقط المصاحف، ص ۱۰ و ۱۳.

۴. المصاحف، ابن ابی داوود سجستانی، ص ۱۴۱ و ۱۴۲ - المحکم فی نقط المصاحف، ص ۱۰ و ۱۳.

۵ و ۲. المصاحف، ابن ابی داوود سجستانی، ص ۱۴۱ و ۱۴۲ - المحکم فی نقط المصاحف، ص ۱۰ و ۱۳.

می‌کند که از استاد خود، ربیعۃ بن عبد الرحمان، درباره اِعراب قرآن پرسیدم، گفتند: «اشکالی ندارد» و همچنین از مالک بن انس (متوفای ۱۷۹ هـ) نقل می‌کند که ایشان گفته‌اند: «نقطه‌گذاری مصحف‌های کوچک که کودکان از روی آن آموزش می‌بینند، اشکالی ندارد ولی مصحف‌های امام را نباید نقطه‌گذاری کرد»^۱ و همچنین خلف بن هشام بزّاز نقل می‌کند که گفت: من نزد کسایی (متوفای ۱۸۹ هـ) حاضر بودم و او بر مردم قرائت می‌کرد و آنها با قرائت او، مصحف‌های خود را نقطه‌گذاری می‌کردند.^۲

از علمای متأخر اهل سنت، آقای شیخ محمد عبدالعظیم الزرقانی، از اساتید دانشگاه الازهر مصر، در کتاب مناهل العرفان فی علوم القرآن (ج ۱، ص ۴۰۸ و ۴۰۹) در رابطه با حکم نقطه و علامت‌گذاری قرآن کریم آورده است:

دانشمندان در صدر اسلام، نقطه و علامت‌گذاری قرآن را کراهت داشتند و این به خاطر اهتمام آنها در محافظت از قرآن و ترس از این که مبدا منجر به تغییر قرآن گردد، بوده است؛ و از همین روست آنچه که از ابن مسعود نقل شده که گفته: «جَرِّدُوا الْقُرْآنَ وَلَا تَخْلِطُوهُ بِشَيْءٍ»، و نقل شده که ابن سیرین کراهت داشت از نقطه‌گذاری قرآن، و لکن گذشت زمان، مسلمان‌ها را وادار ساخت تا قرآن را نقطه و علامت‌گذاری نمایند، به همان دلیلی که دانشمندان در گذشته برای حفظ قرآن، آن را کراهت داشتند؛ پس در این صورت معقول است که قول به کراهت زائل و قول به وجوب و استحباب جایگزین آن شود، چرا که حکم، وجوداً و عَدْماً، دائر مدار علتش می‌باشد.

و سپس فرمایش (نووی) از کتابش (التبیان) نقل می‌کند: علماء می‌گویند: مستحب است نقطه و علامت‌گذاری قرآن، چرا که قرآن را از

۱ و ۲. المحکم فی نقط المصاحف، ص ۱۰ الی ۱۳.

اشتباه حفظ می‌کند، و اما کراهت داشتن شعبی و نخعی در زمان خودشان به خاطر ترس از تغییر در قرآن بوده است، و این ترس امروزه برطرف گردیده است.

با بررسی آراء و نظرات بزرگان در امر علامت‌گذاری (ضبط) قرآن کریم به این نتیجه رسیدیم که نقطه و علامت‌گذاری مصاحف، سه دوره متفاوت و متعارضی به خود دیده است: در آغاز امر، گروهی آن را مکروه و ناروا می‌دانستند، و سپس قائل به جواز آن شدند و آخر الامر، به صورت امری مستحب و پسندیده تلقی گردید و منشأ تمام این نظریه‌های متفاوت، اهتمام شدید دانشمندان اسلامی به حفظ و صیانت نص قرآن کریم از تحریف در قرائت بوده است.

علامت‌گذاری قرآن کریم، توانست مشکل اعراب کلمات را برطرف نماید ولی کلمات بسیاری بودند که بر اساس خط رایج آن روز عرب، حروف مدّی آنها (به ویژه الف مدی) را در کلمات نمی‌نوشتند و تشخیص آن برای غیر عرب‌ها بسیار مشکل بود.^۱

۱. خط عربی قدیم، از خط نبطی متأخر مشتق شده که آن خط از آرامی ریشه گرفته است. نبطیان قومی از سامی‌ها هستند و درباره آنها، این اعتقاد عمومی حاکم است که آنها قبایل عربی دوره گردی بودند که شهرنشین شدند و آرامی را لغت کتابت خود قرار دادند و در آن زمان، لغت عربی، لغت روزمره آنها بود.

به مرور زمان، نبطیان، خط آرامی را تکامل بخشیدند و طی سه دوره، این خط از ریشه دور شد؛ این سه دوره چند قرن طول کشیده تا این که کتابت در دوره پایانی خود، به کلی از بین رفت و کتابت دیگری که همان کتابت عربی است ظهور پیدا کرد.

در نتیجه همین ارتباط میان کتابت عربی و نگارش سامی است که کتابت عربی، بسیاری از ویژگی‌های نگارش‌های سامی به طور عام و نبطی به شکل خاص را دارد، از این‌رو علامت واحدی برای چندین حرف، قرار داده شده و این حالت، تا نیمه دوم قرن اول هجری ادامه داشت که در آن زمان برای تشخیص حروف، نقطه‌گذاری مرسوم شد، همچنین در کتابت عربی، در این مرحله، هیچ‌گونه اشاره‌ای به مصوت‌های کوتاه و نیز مصوت کشیده فتحه (الف مدی) در وسط کلمه تا مدت‌ها جا نیفتاده بود. این ارتباط بین خط عربی قدیم و خط

یکی از قدیم‌ترین کتبی که درباره خط و رسم مصاحف نسبتاً مفصل سخن گفته و امروزه در دست است، کتاب المصاحف تألیف ابن ابی داوود سجستانی (متوفای ۳۱۶ هـ) است؛ وی صفحاتی از کتاب خود را به نقل نگارش اختصاص داده است.^۱

ابن ابی داوود در صفحه ۱۱۷ کتاب خود نقل می‌کند: «عبداللہ بن زیاد (متوفای، ۶۷ هـ) دو هزار حرف (الف که در کتابت عثمانی بدون الف نوشته می‌شد) را در قرآن اضافه کرده است و همچنین حجاج بن یوسف (متوفای، ۹۵ هـ)، ۱۱ موضع از رسم الخط قرآنی را اصلاح نموده است»؛ در نتیجه بعد از این اصلاحات، خواندن متن قرآن ساده‌تر و فهم آن آسانتر گردید.^۲

یکی از قدیمی‌ترین مصاحف موجود، مصحف به خط علی بن هلال، معروف به ابن بواب (متوفای، ۴۲۳ هـ) است که به خط نسخ در سال ۳۹۱ هجری نوشته است، و در اکثر موارد با رسم عثمانی متفاوت است، و این امر از عدم التزام خطاطان و علمای آن دوره به رسم المصحف حکایت می‌کند؛ و همانگونه که محققین مرکز طبع و نشر به آن اذعان نموده‌اند اگر مخالفت با قواعد علم رسم، حرام بود، خطاط معروفی مثل ابن بواب به این سادگی جرأت نمی‌کرد بر خلاف قواعد این علم،

نبطی متأخر، می‌تواند پاسخ بسیاری از دوگانه نویسی کلمات را در مصاحف صدر اسلام باشد، از جمله نوشتن تائیت به صورت تائ کشیده و همچنین نوشتن الف مدی در وسط کلمات. (بررسی علمی، تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ص ۱۴، به نقل از راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، ص ۶۶ و رسم الخط مصحف، غانم قدوری الحمد، ترجمه یعقوب جعفری، ص ۴۰ و ۴۱، به نقل از: منشاء الخط العربی و تطوره لغایة الخلفاء الراشدین، ج ۱، ص ۱۲۹، والعرب قبل الاسلام، جرجی زیدان، ص ۹۲، و چند کتاب دیگر)

۱. بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ص ۲۸ و ۲۹ و ۳۰.

۲. مباحثی در علوم قرآن، دکتر صبحی صالح - ترجمه محمد علی لسانی فشارکی - ص ۱۴۴.

مصحف بنویسد.^۱

آقایان مرکز طبع و نشر از این مسأله غافلند که در مشرق زمین قواعدی برای رسم المصحف وجود نداشت تا ابن بوّاب، جرأت مخالفت با آن را داشته باشد بلکه ابن بوّاب قرآن را بر اساس رسم الخط رایج آن روز عرب نوشت، و آوردن الف مدی در وسط کلمات در نیمه دوم قرن اول (همان گونه که آقای ابن ابی داوود سجستانی در المصاحف، صفحه ۱۱۷ آورده است) در کتابت قرآن رایج شده بود و حال آن که علم رسم المصحف، بعدها در مغرب زمین و بر اساس فتوای مالک، توسط پیروان او، پایه گذاری شد که توضیح آن در صفحات آینده خواهد آمد.

شکی نیست که قرآن به صورت الفاظ، توسط جبرئیل امین عَلَيْهِ السَّلَام بر پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل گشته است و آن حضرت، آیات نازل شده را بر کاتبین وحی، تلاوت می فرمودند و آنها قرآن را بر اساس رسم الخط رایج آن روز عرب می نوشتند؛ و خط عرب در صدر اسلام مراحل تکاملی خود را طی می کرد و فاقد نشانه ای برای مصوت های کوتاه (حرکات) و کشیده (حروف مدی) بود؛ در صدر اسلام واو و یای مدی را در کلمات می آوردند ولی الف مدی را تنها در آخر کلمات می آوردند و در وسط کلمات هنوز عمومیت پیدا نکرده بود که موارد آن در قرآن های با رسم الخط عربی جدید (خط عثمان طه) - که ادعا می شود مطابق با رسم عثمانی است - فراوان دیده می شود، برای نمونه:

۱ - کلمه ﴿ءَاتَيْنَا﴾

انبیاء / ۷۹ ﴿وَكُلَّآءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا﴾

ودر آیه ۷۳ ﴿وَلَوْ طَاءَاتَيْنَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا﴾

۱ و ۳- بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ص ۲۸ و ۲۹ و ۳۰.

۲ - کلمه ﴿جَعَلْنَا﴾

سبأ / ۱۸ ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ...﴾ و در آیه ۱۹ ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ...﴾
اسراء / ۲ ﴿وَجَعَلْنَاهُ هُدًى...﴾ و در آیه ۶ ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾

۳ - کلمه ﴿خَلَقْنَا﴾

یس / ۷۱ ﴿أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ...﴾ و در آیه ۷۷ ﴿أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ...﴾
صافات / ۱۱ ﴿أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ﴾، حجرات / ۱۳ ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ...﴾

۴ - کلمه ﴿أَنزَلْنَا﴾

نور / ۱ ﴿سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا...﴾

قدر / ۱ ﴿إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾

۵ - کلمه ﴿ظَلَّام﴾

حج / ۱۰ ﴿لَيْسَ بِظُلْمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ و در آل عمران / ۱۸۲ ﴿لَيْسَ بِظُلْمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾

۶ - کلمه ﴿أَمْثَال﴾

فرقان / ۹ ﴿أَنظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾

و در اسراء / ۴۸ ﴿أَنظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾

۷ - کلمه ﴿إِحْسَان﴾

اسراء / ۲۳ ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ و در بقره / ۸۳ ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾

۸ - کلمه ﴿سَاحِر﴾

ذاریات / ۳۹ ﴿وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ﴾

و در آیه ۵۲ ﴿إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ﴾

۹ - کلمه ﴿تَبَارَكَ﴾

ملک / ۱ ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ﴾ و در فرقان / ۱ ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ﴾

۱۰ - کلمه ﴿كِتَاب﴾

حجر / ۱ ﴿الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ﴾

و در نمل / ۱ ﴿طَسَّ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ﴾

پس اضافه شدن مصوت الف مدی در کتابت قرآن توسط عبیدالله بن زیاد و پذیرفته شدن آن توسط حجاج بن یوسف و عموم مردم که تبلور آن را در مصحف ابن بوّاب می‌بینیم نه تنها مخالفت با رسم المصحف به حساب نمی‌آمد بلکه ادامه روند تکاملی رسم الخط عرب بود که از صدر اسلام شروع شده ولی هنوز عمومیت پیدا نکرده بود و کاتبین قرآن به قرینه نوشته شدن الف مدی در بعضی از کلمات قرآن، در دیگر کلمات نیز به کار می‌بردند. از این رو به راحتی مورد قبول علمای اسلام و عموم مردم قرار می‌گیرد.

مخالفت با رسم المصحف عثمانی، تغییراتی است که مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران به بهانه پیروی از رسم عثمانی در مصحف خود به وجود آورده‌اند که نمونه آن در هیچ قرآنی دیده نمی‌شود، و مادر پایان همین نوشته، نمونه‌هایی از آن را خواهیم آورد.

اما مسلمانان در مغرب بلاد اسلامی، همان گونه که قبلاً متعرض شدیم به خاطر گفته مالک از کتابت قرآن، بر اساس نگارش جدید، پرهیز می‌کردند، ابو عمرو عثمان بن سعید الدانی (متوفای، ۴۴۴ هـ) به اسناد خود از مالک بن انس (متوفای، ۱۷۹ هـ) نقل می‌کند:

«از مالک سؤال شد: به نظر شما اگر امروزه کسی قرآن را بنویسد، آیا می‌تواند بر اساس روشی بنویسد که مردم در این روزگار ایجاد کرده‌اند؟ مالک گفت: نه بلکه باید به همان روش نخستین بنویسد»^۱.

لازم به توضیح است که کتاب (المقنع) دانی و (التنزیل) شاگردش، ابو داوود سلیمان بن نجاح (متوفای ۴۹۶ هـ) عمده کتبی است که در اخذ هجای مصاحف و رسم آن، از آنها استفاده می‌شود، هر دو از مغرب زمین می‌باشد.^۲

۱- المقنع - ابو عمرو دانی - صفحه ۹ و مناهل العرفان فی علوم القرآن - زرقانی - صفحه ۳۱۶

۲- بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، صفحات ۳۱ و ۳۰

در آخر قرآن با خط عثمان طه، چاپ عربستان (که ادعا می‌شود با رسم عثمانی است)، مستند روایت این مصحف را چنین معرفی می‌کند: «وَأُخِذَ هِجَاؤُهُ مِمَّا رواه علماء الرَّسْمِ... وقد رُوِيَ فِي ذَلِكَ مَا نقله الشيخان: أَبُو عَمْرٍو الدَّانِي وَأَبُو دَاوُدَ سَلِيمَانُ بْنُ نَجَّاحٍ مع ترجيح الثاني عند الاختلاف غالباً، وَقَدْ يُؤْخَذُ بقول غيرهما».

هجا و رسم این قرآن، از دو نفر از علمای رسم به نام ابوعمرودانی و ابوداود سلیمان بن نجاح گرفته شده و در موارد اختلاف، بیشتر قول نفر دوم ترجیح داده شده و گاهی هم به قول غیر از این دو عمل شده است. لازم به توضیح است: قرآن‌هایی که از قدیم الایام تا به حال در مشرق زمین و به ویژه در دو کشور بزرگ اسلامی، ایران و ترکیه عثمانی (که دربرگیرنده همه کشورهای خاورمیانه امروز می‌شدند)، نوشته و چاپ می‌گردید و هنوز هم به عنوان رسم المصحف رایج این کشورها می‌باشد، و نمونه‌های آن در موزه‌های سراسر جهان وجود دارد، قرآن‌هایی است که (به استثنای چند کلمه) تمامی الف مدی‌های ملفوظ آن آورده شده و این امر در سهولت و صحت قرائت قرآن کریم، نقش به‌سزایی دارد و خواندن آن برای عرب زبانان نیز راحت‌تر از رسم عثمانی می‌باشد، ولی قرآن‌های ادعایی با رسم عثمانی، در اوایل قرن چهاردهم هجری، توسط یکی از علمای الازهر مصر به نام شیخ رضوان بن محمد، مشهور به المخلاّتی (متوفای ۱۳۱۱ هـ)، مطابق با قواعد علم رسم و بر اساس دو کتاب معروف این علم، یعنی (المقنع) تألیف ابوعمرودانی و (التزیل) تألیف سلمان بن نجاح کتابت گردید، این مصحف در سال ۱۳۰۸ قمری در قاهره به چاپ رسید.^۱

در این چند سال اخیر نیز، مرکز طبع و نشر، قرآنی را به چاپ رسانده

۲- بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، صفحه ۳۴.

و مدعی است که: «نگارش کلمات این مصحف از منابع مشهور علم (رسم المصحف) می‌باشد، و برای کلماتی که در منابع علم رسم، چند شیوه برای نگارش آنها ذکر شده است، شکل نزدیک‌تر به قرائت انتخاب شد»^۱.

و در صفحه ۹۶ کتاب (بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف) که شیوه نگارش و علامت‌گذاری قرآن کریم مرکز طبع و نشر را به تصویر کشیده، چنین آمده: «با توجه به این که شمار کل کلمات مخالف قیاس در قرآن کریم ۶۷۷۷ کلمه است، پس از انجام تحقیقات در مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، شیوه نگارش ۱۹۰۶ کلمه از این کلمات، تغییر یافت که نتایج حاصل در قالب جدول ذیل ملاحظه می‌شود».

سؤال ما از محققین مرکز و طبع و نشر این است: اکنون سه قرآن با رسم‌های متفاوت (عربی جدید، شبه قاره هند و مرکز طبع و نشر) وجود دارد و هر سه مدعی هستند که مطابق با رسم المصحف عثمانی می‌باشد و مستند شماها، کتاب‌های علم رسم و ضبط قرآن کریم است، آیا این خود نمی‌تواند دلیل بر نبود رسم عثمانی واحد باشد، و علمای رسم بر اساس قرآن موجود در منطقه خود (که منسوب به رسم عثمانی بود)، شیوه نگارش کلمات آن را به تصویر کشیده‌اند؟

اضافه بر آن، آیا می‌توانید ادعا نمایید که نویسندگان رسم المصحف، دسترسی به کلیه قرآن‌های مکتوب از صدر اسلام تا زمان خودشان داشته‌اند؟ قطعاً نمی‌توانید چنین ادعایی داشته باشید.

آیا به نحوه نگارش کلمات در نمونه قرآن به خط کوفی که در صفحه ۱۵ کتاب خود آورده‌اید، دقت نموده‌اید؟

۱ - صفحات آخر قرآن چاپ شده توسط مرکز طبع و نشر، مشخصات این مصحف شریف.

شکی نیست که مصحف، مربوط به اواخر قرن اول و یا اوائل قرن دوم می‌باشد، در همین یک صفحه، به کلماتی برمی‌خوریم که با الف مدی نوشته شده ولی در رسم قرآن ادعایی شما - که مطابق با رسم عثمانی است - بدون الف مدی می‌باشد، و همچنین به کلماتی برمی‌خوریم که بدون الف مدی می‌باشد ولی در رسم قرآن شما با الف مدی نوشته شده است، کلمه ﴿الرَّيَّاح﴾ در آیه ۲۲ و ﴿الْوَارِثُونَ﴾ در آیه ۲۳، با الف مدی نوشته شده ولی در رسم الخط عربی جدید (عثمان طه)، شبه قاره هند (پاکستان و...) و مرکز طبع و نشر شما، هر سه بدون الف مدی آمده ﴿الرَّيَّاح - الْوَارِثُونَ﴾.

کلمه ﴿خَزَنَةٌ﴾ در آیه ۲۱، بدون الف مدی می‌باشد ولی در رسم الخط ادعایی شما با الف مدی نوشته شده ﴿خَزَائِنُ﴾

کلمه ﴿بِخَزَائِنِ﴾ در آیه ۲۲، بدون الف مدی و در رسم الخط عربی جدید و شبه قاره نیز بدون الف مدی می‌باشد ولی در رسم الخط مرکز طبع و نشر جمهوری اسلامی ایران با الف مدی نوشته شده ﴿بِخَزَائِنِ﴾.

اضافه بر مطالب فوق، تمامی اقوالی که در رابطه با توقیفی بودن (رسم المصحف) بیان شده، نظرات شخصی افراد است و هیچکدام مستند به گفته پیامبر گرامی اسلام و یا ائمه اطهار علیهم‌السلام نمی‌باشد، و اضافه بر تضادی که در بیان مصادیق رسم عثمانی دارند، در تضاد با اقوال دیگرانی است که رسم المصحف را توقیفی نمی‌دانند و یا نگارش قرآن بر اساس رسم عثمانی اصلاً جایز نمی‌دانند، از این رو به کلی از درجه اعتبار ساقط است؛ آقای محمد عبدالعظیم الزرقانی از علمای اهل سنت و از اساتید دانشگاه الازهر مصر، نظرات علمای اهل سنت را در رابطه با رسم المصحف، جمع‌بندی نموده (از صفحه ۳۷۷ تا ۳۸۶) و ما فشرده‌ای از آنها را یادآور می‌شویم:

«للعلماء فى رسم المصحف، آراءٌ ثلاثة:

(الرأى الأول): أنّه توقیفى لا تجوز مخالفته... و پس از بیان اقوال این گروه مى فرماید: و يمكن مناقشة هذا الرأى الأول بأنّ الأدلة التى ساقوها لا تدلّ على تحريم كتابة القرآن بغير هذا الرسم؛ إذا ليس فيها زجرُ الإثم ووعيده، ولا نهى الحرام وتهديده، إنّما قصارها الدلالة على جواز الكتابة بالرسم العثمانى ووجاهته ودقّته. وذلک محلّ اتفاق و تسليم؛

(الرأى الثانى): أنّ رسم المصحف اصطلاحى لا توقیفى و عليه فتجوز مخالفته...

(الرأى الثالث): ... أنّه يجوز بل تجب كتابة المصحف الآن لعامة الناس على الاصطلاح المعروف الشائعة عندهم، ولا تجوز كتابته لهم بالرسم العثمانى الأول، لئلا يوقع فى تغيير من الجهال. ولكن يجب فى الوقت المحافظة على الرسم العثمانى، كأثر من الآثار النفيسة الموروثة عن سلفنا الصالح، فلا يهمل مراعاة لجهل الجاهلين، بل يبقى فى ايدى العارفين الذين لا تخلو منهم الارض... و بعد از نقل اقوال مى گوید: وهذا الرأى يقوم على رعاية الاحتياط للقرآن من ناحيتين: ناحية كتابته فى كل عصر بالرسم المعروف فيه، إبعاداً للناس عن اللبس والخلط فى القرآن، وناحية إبقاء رسمه الأول المأثور، يقرؤه العارفون ومن لا يخشى عليهم الالتباس. ولا شك أنّ الاحتياط مطلب دينى جليل، خصوصاً فى جانب حماية التنزيل».

آقای زرقانى، یکى از علمای اهل سنت معاصر و از اساتید دانشگاه الأزهر مصر است و کتاب او، از منابع درسى آن دانشگاه بوده، و صراحتاً اعلام مى فرماید: تخلف از رسم عثمانى نه تنها جایز بلکه لازم است تا مردم در قرائت قرآن، دچار اشتباه نشوند، و هیچگونه مخالفتى با ایشان صورت نمى گیرد.

بهرتر بود محققین مرکز طبع و نشر، تنها به مطالعه کتاب‌های رسم و ضبط اکتفا نمی‌نمودند و اگر نظر همه مراجع بزرگوار تقلید عصر حاضر (که اتفاق دارند. بر عدم توقیفی بودن رسم المصحف و لزوم کتابت قرآن بر اساس رسم موجود) را قبول ندارند، حداقل مروری به کتاب‌های تاریخی و حدیثی شیعه را داشتند تا نظر ائمه اطهار علیهم‌السلام را در این مورد مورد بررسی قرار می‌دادند، چرا که آن بزرگواران در منطقه‌ای زندگی می‌کردند که محل نزول وحی بود، و مرکز کتابت قرآن‌های اولیه، و اگر قول و فعل و تقریر آنها را حجت نمی‌دانید، آیا نظر آن بزرگواران به اندازه نظر کسی که هزاران کیلومتر با مرکز وحی فاصله دارند، ارزش ندارد؟ فَاَیْنَ تَذْهَبُونَ؟

شکی نیست که عمده تغییرات انجام گرفته در رابطه با رسم المصحف، در زمان ائمه معصومین علیهم‌السلام و در منطقه‌ای بوده که آن بزرگواران زندگی می‌کرده‌اند، وقتی روایات متعددی از آنها نقل شده که در رابطه با اختلاف قرائت^۱ و حتی رنگ به کار رفته در کتابت قرآن،^۲ نظر خود را فرموده‌اند، چطور در رابطه با رسم المصحف، هیچ سؤالی مطرح نشده و هیچ نظری از این بزرگواران نقل نشده است؟

پس سکوت ائمه اطهار علیهم‌السلام در مورد تغییرات انجام گرفته در رابطه با رسم المصحف، می‌تواند دلیل محکمی بر صحیح بودن این کار در زمان آنها باشد و این خود می‌تواند بهترین دلیل بر عدم توقیفی بودن رسم المصحف باشد؛ امری که همه مراجع بزرگوار تقلید در قم، در استفتایی که از آن بزرگواران شده، صراحتاً بیان فرموده‌اند، و اساتید بزرگوار بنده، حضرت آیت الله معرفت قدس سره در کتاب «التمهید فی علوم القرآن» و حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دام عزه) در کتاب «بررسی رسم الخط

۱ - ۹. اصول کافی ج ۲، ص ۶۲۹ و ۳۰ (کتاب فضل القرآن، باب النوار/ حدیث ۱۲۸ و ۱۳).

عثمان طه» به صراحت بیان فرموده‌اند و اضافه بر آن، همگام با بعضی از علمای اهل سنت^۱ «اصلاح رسم عثمانی و کتابت قرآن بر اساس رسم رایج و شناخته شده و معروف را لازم می‌دانند تا سبب اشتباه در قرائت قرآن نشود».

اما نظر مراجع بزرگوار تقلید شیعه زمان حاضر بر اساس استفتایی که آقای عظیمی در سال ۱۳۸۷ شمسی از مراجع تقلید قم نموده‌اند، همگی بر عدم توقیفی بودن رسم المصحف اذعان نموده‌اند و تنها ملاک را بی‌غلط بودن قرآن می‌دانند: (استفتاءات ضمیمه می‌باشد)

آیت الله مکارم شیرازی: «املاء روز را بهتر می‌دانند».

آیت الله صافی گلپایگانی: «املاء روز را مقدم بر رسم المصحف می‌دانند و دلیل آورده‌اند که رسم المصحف در بسیاری از موارد، سبب اشتباه و غلط خواندن می‌شود».

آیت الله شیخ مجتبی تهرانی: «املاء روز را به خاطر سهولت در آموزش قرآن کریم و نیز تناسب بیشتر این شیوه نگارش با تلفظ حروف را بهتر می‌دانند».

آیت الله شبیری زنجانی: «انتخاب روش را بستگی به شرائط محل آموزش قرآن و شرائط دانش پژوهان می‌داند».

بله از این نکته هم نباید غافل بود: همان طوری که فقیه و مفسر بزرگوار حوزه، حضرت آیت الله سبحانی (دام عزه) در درس تفسیر ماه مبارک رمضان امسال^۲ فرمودند و قبلاً نیز در جواب استفتای این جانب مرقوم داشته‌اند:

۱. مناهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی - صفحه ۳۸۵، (الرأی الثالث...).

۲. سایت شیعه نیوز، قم، رسانه مستقل شیعیان - ۱۵ مرداد ۱۳۹۱. ۱۴:۲۳

«خط قرآن توقیفی نیست، البته نه به این معنی که هر کس حق دارد در خط قرآن تصرف کند، بلکه باید تحت نظر هیأت علمای وارد در تفسیر، روشی را انتخاب کنند که خواندن قرآن را برای جوانان آسان کند...» جمادی الاولی ۱۴۳۳ هـ.

با بررسی نظرات علمای شیعه و اکثر اهل سنت به این نتیجه رسیدیم که دلیل محکمی بر «توقیفی بودن رسم المصحف» وجود ندارد و بهترین دلیل، اختلاف آراء قائلین به «توقیفی بودن رسم المصحف» در رابطه با شیوه نگارش بسیاری از کلمات می‌باشد و همچنین وجود قرآن‌های با رسم الخط‌های مختلف در جهان اسلام و حتی خود عربستان برای هند و پاکستان، قرآن‌هایی را با رسمی متفاوت از رسم المصحف عثمانی ادعایی، چاپ نموده است.

با این حال، متأسفانه مرکز طبع و نشر قرآن کریم به بهانه هماهنگی در ارائه متن مکتوب قرآن کریم و نیز تسهیل فرایند آموزش قرآن در کشور، هماهنگ با وهابیت تکفیری، تبلیغات گسترده‌ای را بر علیه رسم المصحف کشور عزیز ما، جمهوری اسلامی ایران، آغاز نموده و طبق نامه شماره ۱۰۸۴۵-۴۹۹-۴ مورخه ۹۰/۸/۳۰ به اعضای خود، رعایت قواعد «رسم المصحف» را الزامی دانسته و در تبصره ۱ ماده ۲ آمده است: با توجه به تعدد منابع «رسم المصحف» و نقل چند شیوه نگارش برای برخی از کلمات قرآن، باید نگارش کلمات مطابق با یکی از مصاحفی که در این بند به آن اشاره می‌شود، صورت پذیرد:

- مصحف مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران؛
- مصحف امیری؛
- مصحف مدینه (به روایت حفص)؛
- مصحف شبه قاره هند.

و در تبصره ۳ آمده: مصاحفی که قبلاً کتابت و چاپ شده، چنانچه رسمش مطابق با یکی از مصاحف مذکور در تبصره ۱ همین ماده نباشد، باید مطابق با یکی از این شیوه‌ها تغییر یابد.

آقایان مرکز طبع و نشر به استناد کدام دلیل و حجت شرعی، تنها رسم المصحف قرآن‌های مذکور در تبصره یک را ملاک صحت و قضاوت قرار داده‌اند؟

رسم المصحف مرکز طبع و نشر، رسم الخط جدیدی است که هیچ مشابه مکتوبی در جهان ندارد؛ و رسم الخط عربی جدید بنابر اقرار خودشان در اوائل قرن چهاردهم توسط یکی از علمای الازهر مصر نوشته شده. در حالی که قرآن‌های با رسم الخط ایرانی و ترکی پیش از هزار سال سابقه دارد و حداقل از زمان ابن بواب (۳۹۱ هـ) تا به حال، کاتبین قرآن - شیعه و سنی - بر اساس آن رسم المصحف، قرآن را نوشته و می‌نویسند و نمونه‌های مکتوب آن، زینت‌بخش تمامی موزه‌های جهان و حتی موزه شاه فهد در عربستان می‌باشد، و قبل از جنگ جهانی دوم و جدا شدن کشورهای عربی از امپراطوری ترکیه عثمانی، قرآن رسمی مردم آن سرزمین‌ها نیز بوده است، متأسفانه آقایان مرکز طبع و نشر، سیره مستمره مسلمین، اعم از شیعه و سنی و همچنین اجماع فقهای شیعه و گروه بسیاری از علمای اهل سنت را حجت نمی‌دانند، ولی نظر یکی دو نفر از نویسندگان کتب رسم المصحف را حجت می‌دانند! نویسندگانی که به اقرار خودشان^۱، تحت تأثیر فتوای مالک، آن کتاب‌ها را نوشته‌اند، آن هم بر اساس قرآن‌های مکتوبی که در دسترسشان بوده، با آن همه تضاد در نقل اقوال، که تا به حال حداقل سه رسم المصحف، ارائه شده و هر سه مدعی هستند که رسم المصحف آنها توقیفی است! فآین تذهبون؟

۱. بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ص ۳۱-۳۰

سؤال ما از محققین مرکز طبع و نشر این است:

اگر رسم المصحف، توقیفی باشد و ما ملزم به نگارش قرآن بر اساس «رسم عثمانی» باشیم، در آن زمان، حرف همزه (به استثنای مواردی که به شکل الف، واو و یاء نوشته شده) شکلی در کتابت نداشت و کلمات نیز بدون نقطه اِعْجَام (حروف) و اِعراب (حرکات) نوشته می شد و همچنین فاقد تغییراتی بود که بعدها در رابطه با ضبط کلمات انجام گرفت:

آیا اضافه کردن شکل همزه و تغییرات انجام رفته در رابطه با ضبط قرآن، تغییر «رسم عثمانی» به حساب نمی آید؟

همان گونه که آن اصلاحات را به جهت حفظ و صیانت قرآن از تحریف در قرائت پذیرفته اید، اصلاحات انجام گرفته در رابطه با شکل الف مدی ملفوظ هم بپذیرید.

اضافه بر تمامی اینها، قرآن ادعایی شما، جدید است و در نگارش بسیاری از کلمات با هم تضاد دارند؛ ولی قرآن های با رسم الخط ایرانی و ترکی، سابقه ای بیش از هزار سال دارد و حتی قرآنی که قبل از تسلط وهابیت و آل سعود بر سرزمین حجاز، بر روی قبر مطهر پیامبر گرامی اسلام ﷺ بود و مسلمانانی که به زیارت آن حضرت می رفتند از روی آن تلاوت می کردند با رسم الخط ترکی بود که توسط پادشاه وقت ترکیه عثمانی، وقف آنجا شده بود و الآن در موزه عربستان موجود می باشد.

متأسفانه، مسئولین محترم مرکز طبع و نشر، تنها به عرضه کردن قرآنی با رسم جدید (که هیچ نمونه مکتوبی مثل آن در جهان دیده نمی شود) اکتفا نموده اند، بلکه تلاش دارند آن را به عنوان «قرآن رسمی جمهوری اسلامی ایران» به جهان معرفی نمایند و آن را جایگزین قرآن های رایج با رسم الخط فارسی در کشورمان کنند؛ از این رو با پشتوانه قدرتی که دارند، جلو چاپ قرآن های با رسم فارسی را گرفته اند و ناشران ایرانی را

ملزم ساخته‌اند تا از این به بعد باید قرآنی را که آنها معرفی نموده‌اند چاپ نمایند و برای این که اعتراض ناشرین بلند نشود، قول جبران ضرر و زیان آنها را داده‌اند، آن هم از کیسه بیت المال.

این امر، بنده را (که مختصر مطالعه‌ای در رسم و ضبط قرآن کریم دارم) بر آن داشت تا بررسی مختصری در رابطه با «مستند رسم المصحف» آنها داشته باشم و تناقضات نوشتاری آنها را در این مصحف، متذکر شوم تا بطلان ادعای آنها بر علماء و مسئولین کشور ثابت گردد. در کتاب «بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف» که توسط محققین مرکز طبع و نشر تهیه شده و به بررسی «شیوه نگارش و علامت‌گذاری قرآن کریم» پرداخته شده، (صفحه ۴۶) آمده است:

قواعد رسم المصحف

رسم المصحف قواعدی دارد که کلیات مهم آن عبارت است از:....
«قاعده ابدال»

۱ - تبدیل الف... (صفحه ۴۸)

۱-۲. الف در مواردی که منقلب از یاء باشد، به یاء تبدیل می‌شود؛ مانند: يَتَوَفَّيْكُمْ، يَا سَفَى.

این قاعده صحیحی است و در کلیه قرآن‌های موجود (فارسی، ترکی، شبه قاره و عثمانی) رعایت شده است، ولی متأسفانه در قرآن مرکز طبع و نشر، به کلماتی برمی‌خوریم که بر خلاف قاعده و بر خلاف رسم کلیه قرآن‌های موجود نوشته شده است، برای نمونه:

۱ - کلمات ﴿اجْتَبَاكُمْ - اجْتَبَهُ﴾.

طبق قاعده، تمامی قرآن‌ها (فارسی، ترکی، شبه قاره و عثمانی)، الف را به صورت دندانه حرف یای غیر آخر نوشته‌اند «اجْتَبَيْكُمْ - اجْتَبَيْه»، ولی در قرآن مرکز طبع و نشر بر خلاف قاعده و بر خلاف تمامی

قرآن‌های موجود، به صورت «الف» نوشته‌اند:

صفحه ۳۴۱، حج / ۷۸ ﴿هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾

صفحه ۲۸۱، نحل / ۱۲۱ ﴿لَا نَعْمِيَّ اجْتَبَا﴾

صفحه ۳۲۰، طه / ۱۲۲ ﴿ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ﴾

صفحه ۵۶۶، قلم / ۵۰ ﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ﴾

در حالی که کلمه «يُجِبِي» در صفحه ۳۹۲، قصص / ۵۷ ﴿يُجِبِي إِلَيْهِ﴾،

الف به صورت «ياء» نوشته‌اند. اضافه بر مخالفت از مصحف‌های موجود در جهان، تضاد در نگارش کلمه «اجْتَبَاهُ» نیز جای سؤال است که در صفحه ۲۸۱، ياء را به صورت الف «اجْتَبَاهُ» نوشته‌اند و در صفحات دیگر ۳۲۰ و ۵۶۶؛ هم دندانه ياء را حذف نموده‌اند و هم الف ملفوظ را «اجْتَبَاهُ».

۲ - کلمات «آرانی - ترانی»

طبق قاعده، تمامی قرآن‌ها (فارسی، ترکی، شبه قاره و عثمانی)، «الف» به صورت «دندانه حرف ياء غیر آخر» نوشته‌اند، مانند کلمات «آری - آریک - آریکم - آریه - آریکهم» که خود قرآن با رسم مرکز طبع و نشر نیز این کلمات را به صورت «ياء» نوشته است، ولی کلمه «آرینی» دوبار تکرار شده و هر دو بار «دندانه حرف ياء» را بر خلاف قاعده به صورت «حرف الف» نوشته‌اند: صفحه ۲۳۹، یوسف / ۳۶،

﴿قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعِصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ...﴾

و همچنین کلمه «ترینی» دوبار تکرار شده و هر دو بار «دندانه حرف ياء»

را بر خلاف قاعده به صورت «حرف الف» نوشته‌اند: صفحه ۱۶۷، اعراف / ۱۴۳،

﴿قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنَّ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي...﴾

و این بر خلاف رسم کلیه قرآن‌های موجود در جهان می‌باشد.

۳ - کلمه ﴿نادانا﴾

طبق قاعده، تمامی قرآن‌ها (فارسی، ترکی، شبه قاره و عثمانی)، «الف» به صورت «دندانه حرف یاء غیر آخر» نوشته‌اند، مانند کلمات «نادی - نادیۃ - نادیها - نادیهما» که خود قرآن با رسم مرکز طبع و نشر نیز این کلمات را به صورت «یاء» نوشته است، ولی کلمه «نادینا» آن را به صورت «حرف الف» نوشته‌اند: صفحه ۴۴۸، صافات / ۷۵،

﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٍ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ﴾

و این بر خلاف رسم کلیه قرآن‌های موجود می‌باشد.
سؤال: آیا آوردن الف ملفوظ خوانا (که سابقه‌ای پیش از هزار سال دارد)، مخالفت با رسم المصحف است یا تغییر شکل کلماتی که بر خلاف رسم المصحف تمامی قرآن‌های موجود در جهان اسلام می‌باشد؟
در صفحه ۴۸ کتاب «بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف»، قواعد همزه را اینگونه معرفی کرده است:

۲ - همزه متحرک...

۲ - ۴ - اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد، معمولاً بر روی حرف متجانس با حرکت قبلش نوشته می‌شود؛ مانند: سَبَأٌ، شَاطِئٌ، لُؤْلُؤٌ.
۲ - ۵ - اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد و حرف قبل از آن ساکن باشد، معمولاً پایه‌اش حذف می‌شود؛ مانند: مِلْءٌ، الْخَبَاءُ.
و در صفحه ۵۲، «ضوابط علمی رسم المصحف را به صورت کاربردی» را اینگونه معرفی کرده‌اند:

ب - دسته‌بندی کلمات

بعد از مطالعه کتاب‌های مذکور (در بند الف همین صفحه)، تمامی کلمات استخراج شده، در نه دسته به شرح ذیل تقسیم شدند:...

۶ - کلماتی که واو پایه همزه از آنها حذف می‌شود؛ مانند: ينشأ

ولی از مجموع ۲۲ کلمه‌ای که در قرآن، این قواعد شامل آنها می‌شود، تنها به اصلاح ۸ مورد اقدام نموده‌اند که ۴ مورد آن فقط یکبار در قرآن آمده و ۴ مورد دیگر که چند بار تکرار شده، تنها به اصلاح یک مورد آن، اکتفا نموده‌اند، آن کلمات عبارتند از:

۱ - کلمه ﴿يُنشَأُ﴾ به جای ﴿يَشْأُ﴾

صفحه ۴۹۰، زخرف / ۱۸، ﴿وَمَنْ يُنشَأْ فِي الْحِلْيَةِ...﴾

۲ - کلمه ﴿يُنْبَأُ﴾ به جای ﴿يُنْبُوا﴾

صفحه ۵۷۷، قیامه / ۱۳، ﴿يُنْبَأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ...﴾

۳ - کلمه ﴿شَفَعَاءُ﴾ به جای ﴿شَفَعُوا﴾

صفحه ۴۰۵، روم / ۱۳، ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شَفَعَاءُ...﴾

۴ - کلمه ﴿أَبْنَاءُ﴾ به جای ﴿أَبْنُوا﴾

صفحه ۱۱۱، مائده / ۱۸، ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ﴾

اما ۴ مورد دیگر که چند بار در قرآن تکرار شده است، عبارتند از:

۵ - کلمه ﴿جَزَاءُ﴾ به جای ﴿جَزُؤًا﴾

کلمه «جَزَاءُ» با همزه مضمومه، ۱۵ بار در قرآن تکرار شده است، ۱۱ مورد به صورت ملفوظ و بر اساس قاعده «جَزَاءُ» و ۴ مورد بر خلاف قاعده «جَزُؤًا» و در تمامی قرآن‌های موجود (فارسی، ترکی، شبه قاره و عثمانی)، یکسان می‌باشند، ولی در قرآن مرکز طبع و نشر، تنها به اصلاح یک مورد از چهار مورد اقدام نموده است و آن:

صفحه ۵۴۸، حشر / ۱۷، ﴿وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ﴾

در حالی که شبیه همین جمله در سوره مائده آمده، و تغییری در آن نداده است: صفحه ۱۱۲، مائده / ۲۹، ﴿وَذَٰلِكَ جَزُؤًا الظَّالِمِينَ﴾

۶ - کلمه ﴿ضُعَفَاءُ﴾ به جای ﴿ضُعَفُوا﴾

کلمه «ضُعَفَاءُ»، ۳ بار در قرآن تکرار شده است، یک مورد (بقره / ۲۲۶)

به صورت ملفوظ و بر اساس قاعده «ضَعْفَاءُ» و دو مورد بر خلاف قاعده «ضَعْفُوءُ»، که هر دو مورد اصلاح شده است (غافر/ ۴۷ و ابراهیم/ ۲۱).

۷ - کلمه ﴿أَنْبَاءُ﴾ به جای ﴿أَنْبُؤًا﴾

کلمه ﴿أَنْبَاءُ﴾ با همزه مضمومه، ۳ بار در قرآن تکرار شده، یک مورد (قصص / ۶۶) به صورت ملفوظ و بر اساس قاعده «أَنْبَاءُ» و دو مورد بر خلاف قاعده «أَنْبُؤًا» و در تمامی قرآن‌های موجود (فارسی، ترکی، شبه قاره و عثمانی) یکسان می‌باشند، ولی در قرآن مرکز طبع و نشر، تنها به اصلاح یک مورد آن، اقدام نموده است و آن: صفحه ۳۶۷، شعراء / ۶

﴿فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ﴾

در حالی که شبیه همین جمله، در سوره انعام آمده و تغییری در آن نداده است: صفحه ۱۲۸، انعام / ۵

﴿فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبُؤًا مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ﴾

۸ - کلمه ﴿عُلَمَاءُ﴾ به جای ﴿عُلَمُوًا﴾

کلمه ﴿عُلَمَاءُ﴾ با همزه مضمومه، دو بار قرآن آمده، و در هر دو بر خلاف قاعده «عُلَمُوًا» نوشته شده شیوه نگارش آن در تمامی قرآن‌های موجود (فارسی، ترکی، شبه قاره و عثمانی) یکسان می‌باشد، ولی در قرآن مرکز طبع و نشر، تنها به اصلاح یک مورد آن، اقدام نموده است و آن:

صفحه ۳۷۵، شعراء / ۱۹۷ ﴿أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَءِيلَ﴾

ولی مورد دیگر را اصلاح ننموده است:

صفحه ۴۳۷، فاطر / ۲۸ ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾

سؤال ما از مرکز طبع و نشر قرآن این است: شما که سنگ «رسم عثمانی» را به سینه می‌زنید و قرآن‌های با رسم المصحف فارسی و ترکی را با ادعای مخالفت با رسم عثمانی از گردونه انتفاع خارج می‌سازید، چطور هشت کلمه از قرآن را بر خلاف رسم المصحف کلیه قرآن‌های

موجود در جهان اسلام را به کلی تغییر شکل داده‌اید و ادعا نموده‌اید که تنها واو پایه همزه را حذف نموده‌اید؟
آیا تغییرات انجام شده در این هشت کلمه، تنها حذف واو پایه همزه است؟

اگر کمی دقت کنید، خواهید دید که بازگشت ۲ مورد آن «يُنْشَأُ، يَنْبَأُ» به بند ۴ ضابطه همزه متحرک است که در صفحه ۴۸ کتاب آورده‌اید:
۲ - ۴ - اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد، معمولاً بر روی حروف متجانس با حرکت قبلش نوشته می‌شود؛ مانند: سَبَأٌ، شَاطِئٌ، لُؤْلُؤٌ. و شما اضافه بر حذف واو از کلمات «يُنْشَأُ، يَنْبَأُ»، الف موجود را که بر خلاف ضابطه در آخر کلمه آمده را همزه به حساب آورده‌اید.
و بازگشت ۶ مورد دیگر «شُفَعَاءُ، أَبْنَاءُ، جَزَاءُ، ضُعَفَاءُ، عُلَمَاءُ، أَنْبَاءُ» به بند ۵ ضابطه همزه متحرک می‌باشد که در صفحه ۴۸ کتاب آورده‌اید:

۲ - ۵ - اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد و حرف قبل از آن ساکن باشد، معمولاً پایه‌اش حذف می‌شود؛ مانند: مِلٌّ، الخَبَاءُ، حُرُوفٌ مَدًى، ذَاتَا ساکن هستند و طبق قاعده مذکور، اگر همزه بعد از حروف مدّی قرار گیرد، بدون پایه و کرسی نوشته می‌شود؛ مانند: سَمَاءٌ، جِئٌ، سُوءٌ، و موارد آن در قرآن فراوان است، ولی شما اضافه بر حذف واو و الف آخر کلمه، از کلمات «شُفَعَاءُ، أَبْنَاءُ، جَزَاءُ، ضُعَفَاءُ، عُلَمَاءُ، أَنْبَاءُ»، الف مدّی ملفوظ قبل از همزه را نیز اضافه کرده‌اید.

آیا اینها، تغییرات اساسی در شکل کلمه نیست؟ و آیا بر خلاف «رسم المصحف» تمامی قرآن‌ها از صدر اسلام تا به حال نمی‌باشد؟
اضافه بر اشکال فوق، کلمات «جَزَاءُ، ضُعَفَاءُ، أَنْبَاءُ، عُلَمَاءُ»، چند بار در قرار تکرار شده‌اند، چطور به اصلاح یک مورد آن، اکتفا نموده‌اید و موارد دیگر را رها ساخته‌اید؟ آیا این ضابطه‌ها شامل آنها نمی‌شوند؟

شبيه کلمات فوق، ۱۴ کلمه ديگر در قرآن وجود دارد که ۹ مورد آن، جزء بند ۴ ضابطه همزه متحرک (در صفحه ۲۸) می باشد:

«يَبْدُوْا - يَبْدَأُ»، «يَدْرُوْا - يَدْرَأُ»، «تَظْمُوْا - تَظْمَأُ»
 «يَعْبُوْا - يَعْبَأُ»، «تَفْتُوْا - تَفْتَأُ»، «يَتَفَيَّوْا - يَتَفَيَّأُ»
 «اتَوَكَّوْا - اتَوَكَّأُ»، «مَلَّوْا - مَلَّأُ»، «نَبَّوْا - نَبَّأُ»

لازم به ذکر است که کلمه «مَلَّأُ»، ۱۶ بار تکرار شده، ۱۲ بار طبق قاعده به صورت ملفوظ «مَلَّأُ»، و ۴ بار بر خلاف قاعده «مَلَّوْا»، جالب این که دو آیه مثل هم در دو سوره به صورت متفاوت آمده:

صفحه ۲۲۴، هود / ۲۷ ﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ...﴾

و در صفحه ۳۴۳، مؤمنون / ۲۴ ﴿فَقَالَ الْمَلَّوْا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ﴾

و کلمه «نَبَّأُ»، ۴ بار تکرار شده، یک بار طبق قاعده به صورت ملفوظ «نَبَّأُ» و ۳ بار بر خلاف قاعده «نَبَّوْا»، جالب این که دو آیه مثل هم در دو سوره به صورت متفاوت آمده:

صفحه ۱۹۸، توبه / ۷۰ ﴿لَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَعَادٍ...﴾

و صفحه ۲۵۶، ابراهیم / ۹ ﴿لَمْ يَأْتِكُمْ نَبْؤُا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَعَادٍ...﴾
 اما ۵ مورد ديگر، جزء بند ۵ ضابطه همزه متحرک (در صفحه ۲۸)

می باشد:

«بُرْءُؤْا - بُرْءَاءُ»، «بَلَّؤْا - بَلَاءُ»، «دُعُؤْا - دُعَاءُ»، «شُرْكَؤْا - شُرْكَاءُ»، «نَشْؤْا - نَشَاءُ».

لازم به ذکر است که کلمه «بَلَاءُ» ۵ بار تکرار شده، ۳ بار طبق قاعده به صورت ملفوظ «بَلَاءُ» و ۲ بار بر خلاف قاعده «بَلَّؤْا»؛ کلمه «شُرْكَاءُ» ۶ بار تکرار شده، ۴ بار طبق قاعده و به صورت ملفوظ «شُرْكَاءُ» و ۲ بار بر خلاف قاعده «شُرْكَؤْا»؛ کلمه «نَشَاءُ» ۱۹ بار تکرار شده، ۱۸ بار طبق قاعده و به صورت ملفوظ «نَشَاءُ» و یک بار بر خلاف قاعده «نَشْؤْا» و کلمه

«دُعَاء» ۲ بار تکرار شده ، یک بار طبق قاعده و به صورت ملفوظ «دُعَاء» و یکبار بر خلاف قاعده «دُعُوْا»، جالب این که دو آیه مثل هم در دو سوره به صورت متفاوت آمده:

صفحه ۲۵۱، رد / ۱۴ ﴿وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾

و در صفحه ۴۷۳، غافر / ۵۰ ﴿وَمَا دُعَوُا الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾

چرا نسبت به اصلاح این کلمات اقدام ننموده‌اید؟

چه فرقی بین این کلمات و کلمات اصلاحی شما وجود دارد که آنها باید اصلاح شوند ولی اینها نباید اصلاح گردند؟

مورد دیگر از قاعده همزه متحرک (صفحه ۴۸)

۲ - ۳ - اگر همزه متحرک در وسط کلمه قرار گیرد و پیش از آن ساکن باشد، بر خلاف قواعد املای عربی، معمولاً بدون کرسی و در کنار حرف متحرک پیش از خود نوشته می‌شود، مانند: يَسْأَلُونَكَ، مَسْئُولًا.

و بر اساس این قاعده من درآوردی (این قاعده مربوط به کتابت حرف همزه در صدر اسلام است که شکل خاصی نداشت، و با وضع این شکل «ء» برای همزه، در نگارش امروز عرب کاربردی ندارد)، همزه ساکنه در تمامی کلمات مشتق از «سَأَلَ يَسْأَلُ» را همانند رسم عثمانی، بدون پایه برای همزه «يَسْأَلُ» نوشته‌اید، ولی در مورد کلمه «يَسْأَلُونَ» که ۳ بار در قرآن آمده، ۲ مورد را بر اساس قاعده خودتان بدون پایه و کرسی «يَسْأَلُونَ» و یک مورد را بر خلاف این قاعده و بر خلاف رسم عثمانی، همزه را به صورت «الف» نوشته‌اید «يَسْأَلُونَ».

در صفحه ۴۲۰، احزاب / ۲۰ ﴿يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَاءِكُمْ﴾

و در صفحه ۵۲۱، ذاریات / ۱۲ ﴿يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ﴾

آیا این دوگانگی در اجرای قواعد و تخلف از رسم عثمانی که خود را ملزم به رعایت آن می‌دانید، نیست؟

مورد دیگر در رابطه با همزه ساکن (صفحه ۴۷):

«اگر همزه ساکن باشد، معمولاً بر روی حرف متجانس با حرکت قبلش نوشته می‌شود؛ مانند: اِذْن، اَوْثْمَنَ، البَّاسَاء.

بر اساس این قاعده، همزه ساکن در کلمات «يَسْتَأْخِرُونَ، تَسْتَأْخِرُونَ» که در رسم عثمانی بدون الف «يَسْتَخِرُونَ، تَسْتَخِرُونَ» است را اصلاح نموده‌اید که کار به جا و خوبی است، اما چرا همزه ساکن ما قبل مفتوح در کلمه «مُسْتَأْخِرُونَ» در سوره حجر، آیه ۲۴ را به صورت الف نوشته‌اید؟

این دوگانگی در اجرای قواعد چرا؟

آخرین مطلب (چون بنا نیست کل کلمات را مورد بررسی قرار دهیم) در رابطه با کلماتی است که الف مدی ملفوظ را اضافه نموده‌اید، در صفحه ۵۳ آمده:

۱ - کلماتی که الف آنها اثبات می‌شود؛ شامل:

۱ - ۱ - کلمات بر وزن «فاعل» مانند: باخع

آیا کلمه «خَالِد» بر وزن فاعل نمی‌باشد، پس چرا الف مدی آن را نیاورده‌اید در حالی که تثنیه آن «خَالِدَيْنِ» را با الف آورده‌اید ولی جمع آن «خَالِدِينَ» را بدون الف نوشته‌اید:

صفحه ۵۴۸، حشر / ۱۷، با الف ﴿فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا﴾

صفحه ۵۹۸، بینه / ۶، بدون الف ﴿فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا﴾

و یا در مورد کلمه «قَاتِلُوهُمْ» در سوره انفال با اثبات الف و در سوره بقره با حذف الف آورده‌اید:

در صفحه ۱۸۱، انفال / ۳۹ ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً...﴾

و در صفحه ۳۰، بقره / ۱۹۳ ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً...﴾

موارد تضاد در اثبات الف در مشتقات این کلمه در رسم المصحف مرکز، فراوان است که بر خلاف «رسم عثمانی» می‌باشد.

یکی دیگر از مواردی که الف آنها اثبات می‌شود، اینگونه بیان داشته‌اید:

۱ - ۸ - جمع مؤنث سالم دارای دو الف (که الف اول آنها اثبات می‌شود)؛ مانند تائبت

این قاعده من درآوردی بر خلاف رسم المصحف تمامی قرآن‌های موجود در جهان اسلام می‌باشد؛ در تمامی قرآن‌ها، یا هیچیک از الف‌ها را نیاورده‌اند و یا هر دو الف را آورده‌اند؛

در قرآن‌های با رسم فارسی و ترکی، هر دو الف‌ها در نگارش‌ها آمده؛ مانند: صالحات، باقیات.

در قرآن‌های با رسم عثمانی و شبه قاره، بدون الف نوشته شده؛ مانند: صلحت، بقیت.

ولی در رسم قرآن مرکز طبع و نشر، تنها یکی از الف‌ها را آورده‌اند، مانند: صالحت، باقیّت.

جالب این که کلمه «صالح» که مفرد صالحات می‌باشد، بدون الف مدی «صلح»^۱ نوشته‌اند، آیا این کلمه بر وزن «فاعل» نیست؟ و مورد اول شاملش نمی‌شود؟

و موارد متعدد دیگری که نمونه آن در هیچ قرآنی (مطبوع و غیرمطبوع) دیده نمی‌شود.

از نظر علامت‌گذاری (ضبط) قرآن نیز، اشکال‌های متعددی وجود دارد که اخیراً با رنگی نوشتن حروف ناخوانا خواسته‌اند، آن اشکال‌ها را برطرف نمایند، برای نمونه:

۱. نکته جالب در رابطه با کلمه «صالح» این که در رسم المصحف شبه قاره هند، اگر این کلمه عَلم باشد، بدون الف آمده «أخوهم صلح»، «أخاهم صلحاً» و اگر به عَمَل نسبت داده شود، با الف نوشته شده، «عَمَلٌ صالح»، «عَمَلٌ صالحاً» ولی در رسم المصحف عربی جدید، تمامی موارد بدون الف آمده است.

۱ - سوره نمل، آیه ۱۸ ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ...﴾

از نظر علامت گذاری چه فرقی بین الف بعد از واو «آتوا» و «واد» وجود دارد که اولی ناخوانا «آتوا» و دیگری الف مدی می باشد «واد»؟
و همچنین در سوره الرحمن، آیه ۴۸ ﴿ذَوَاتَا أَفْنَانٍ﴾ و سوره قمر، آیه ۲۹ ﴿فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ...﴾، الف بعد از واو «ذواتا» الف مدی و خواناست و الف بعد از واو «فنادوا» الف جمع و ناخوانا می باشد؟

و همچنین در سوره عصر، آیه ۳ ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾.
از نظر علامت گذاری چه فرقی بین الف بعد از واو «توا» و «صوا» وجود دارد که اولی خوانا و دومی ناخواناست؟ و نیز بین لام «بالحق» و «بالصبر» وجود دارد که اولی خوانا و دومی ناخوانا می باشد؟
۲ - سوره هود، آیه ۸۷ ﴿يَشْعِيبُ أَصْلَوْتُكَ...﴾

از نظر علامت گذاری چه فرقی بین الف مقصوره روی حرف یاء در «يَشْعِيبُ» و روی حرف واو در «أَصْلَوْتُكَ» وجود دارد که اولی نشانگر صدای کشیده فتحه برای حرف یاء می باشد ولی دومی نشانگر خوانده شدن حرف واو به صورت الف مدی می باشد و حرف واو ناخواناست؟

در رسم الخط ایرانی، ترکیه عثمانی و پاکستانی الف مقصوره، روی حرف لام می باشد «أَصْلَوْتُكَ» و در رسم الخط عربی که روی واو می باشد، حرف لام مفتوح می باشد (أَصْلَوْتُكَ) تا نشانگر خوانده شدن واو به صورت الف باشد. و همچنین در سوره بقره، آیه ۲۳۸

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ...﴾

چطور الف مقصوره، روی واو (الصَّلَوَاتِ) نشانگر صدای کشیده فتحه می باشد ولی در (الصَّلَاةِ) نشانگر ناخوانا بودن واو می باشد؟
و موارد متعدد دیگری که نمونه آن در هیچ قرآنی (مطبوع و

۱. ویا چه فرقی بین الف «آتوا» و «توا» وجود دارد که اولی ناخوانا و واو بدون علامت، ساکن است و دومی، الف مدی برای واو، بدون علامت می باشد و باید «وا» خوانده شود؟

غیرمطبوع) دیده نمی‌شود.

در پایان تذکر این نکته را لازم می‌دانم: اگر بناست «قرآن با رسم واحد» و به اسم «جمهوری اسلامی ایران» عرضه شود، همان‌گونه که حضرت آیت الله سبحانی - دام عزه - در جواب استفتای این جانب و همچنین در درس تفسیرشان مطرح فرمودند «این کار باید تحت نظر هیأت علمای وارد در تفسیر» و با تأیید مراجع بزرگوار تقلید باشد فرمایش استاد سبحانی در درس تفسیرشان به نقل از شیعه نیوز - تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۹۱ - ۱۴۳۲

«آیت الله سبحانی با بیان این که خط قرآن جنبه توقیفی ندارد، ابراز کرد: هیچ دلیلی وجود ندارد که خط فعلی عثمان طه ملاک است و نباید آن را تغییر داد، حتی اگر در آن غلط دیده شود.

وی با اشاره به این که قرآن در گذشته اعراب و نقطه نداشت و تغییر کرد، اظهار داشت: الان خط عثمان طه مشکلاتی دارد، چون از خط گذشته پیروی می‌کند اما امروز خط تکامل یافته و می‌توان مشکلات آن را برطرف کرد. این مفسر برجسته قرآن گفت: باید متخصصان قرآنی، علما، حفاظ و قراء جمع شوند و مشکلات قرائت قرآن را تصحیح کنند و از هرج و مرج و اعمال سلیقه شخصی در این باره باید پرهیز کرد».

من الله التوفیق

قم - شیخ علی حبیبی

همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹

است برکت
و قرص حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی
حوزه علمیه قم مؤسسه امام صادق علیه السلام

تاریخ
شماره
پشت

برعالی

جناب آقای شیخ علی حبیبی دام عزه

با احترام و سلام

نامه جناب عالی رسیدگی نیست که در خط قرآن توقیفی نیست البته
نه به این معنی که هر کس حق دارد در خط قرآن تصرف کند بلکه
باید تحت نظر هیأت علمی دارد در تفسیر روش را انتخاب
کنند که خواندن را برادر جوانان آسان کند. مسأله حفظ عثمانی
مشکلاتی دارد.

امید است که انتشار و به دست آمدن این کتاب به نتیجه برسد و مورد استفاده
علم و دانش را از این مسائل آگاه سازد. با تقدیم احترام

جعفر سبحانی

"جعفر سبحانی"

۱۴۳۳



قم - میدان شهید آیت الله العظمی بروجردی، تلفن ۷۷۴۳۱۵۱، پلاک ۲۹۲۲۳۳۱
www.tohid.ir

لطفاً پس از مطالعه در اختیار دیگران قرار دهید.